

حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر^۱

سیدمحمد اسدی نژاد^۲

عباداله رستمی چلکاسری^۳

فاطمه مرادی^۴

چکیده

تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است که خانواده در آن نقش بسیار ایفا می‌کند. سؤال اساسی این است که حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک طبق نظام حقوقی ایران و اسناد حقوق بشر چه مصادیقی دارد و از چه زمانی آغاز می‌شود؟ آیا والدین در انتخاب شیوه تربیت کودک خود آزادند؟ آیا آنان حق دارند در امر تربیت، از تنبیه و تأدیب کودک استفاده کنند؟ بررسی حقوق ایران و اسناد حقوق بشر نشان می‌دهد که تربیت کودک به طور صریح از بعد تولد او آغاز می‌شود. پرورش جسمی و روانی و اخلاقی کودک، تأمین امکانات مربوط به نگهداری و تحصیلات اجباری، تربیت مذهبی و تنبیه کودک و نیز اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان، از حقوق و تکالیف والدین در این زمینه از منظر حقوق داخلی است. در اسناد حقوق بشر، تنبیه به منظور تربیت پذیرفته نمی‌شود و اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان با سکوت روبروست. در بحث تربیت مذهبی کودک نیز والدین تنها حق دارند آموزه‌های مذهبی مطابق معتقدات خویش را به کودک آموزش دهند. این مقاله به طور مختصر، حقوق و تکالیف مزبور را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی

تربیت، آموزش، والدین، کودک، حقوق، تکالیف

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش نهایی ۱۳۹۴/۲/۲۳

mohammad_asadinejad@yahoo.com

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

e-rostamy@guilan.ac.ir

۴- استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات گیلان، ایران

moradifateme345@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

تربیت کودک از حقوق و وظایف اساسی والدین است. این مفهوم در اصطلاح حقوقی به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال استعمال شده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۷). کودک نیز در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم نرسیده باشد (کارگروه حقوق کودک کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). در قوانین ایران تعریف مشخصی از کودک وجود ندارد و فقط سن بلوغ تعیین شده است. برخی بر این باورند که در حقوق ایران و قانون مدنی، شروع دوران کودکی با تولد طفل آغاز می‌شود. به نظر برخی دیگر، با نگاه کلی به قوانین مدنی و جزایی می‌توان به این نتیجه رسید که حمل به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر، مورد توجه قانونگذار بوده است. از این رو، شروع کودکی از زمان استقرار و انعقاد نطفه در رحم است. مطابق قانون می‌توان برای جنین نیز حقوقی در نظر گرفت و تعرض به این حقوق را موجب مسئولیت مدنی و کیفری قلمداد کرد (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۵۰-۵۴). به نظر می‌رسد از بین این دو نظریه، نظریه اول پذیرفتنی نیست؛ زیرا تنها مطابق نظر دوم می‌توان برای تعرض به حقوق و شخصیت جنین مسئولیت کیفری و مدنی مقرر داشت. لذا شروع کودکی از زمان استقرار و انعقاد نطفه در رحم مادر است. پایان کودکی در قوانین ایران قدری پیچیده است و به تناسب جنبه‌های مختلف عرصه‌های اجتماعی مختلف است. قانونگذار در قانون مدنی (تبصره یک ماده ۱۲۱۰) و قانون مجازات اسلامی (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷) برای ورود به سن مسئولیت کیفری و خارج شدن از حجر و ممنوعیت از تصرف، نظر مشهور فقیهان را که همان سن بلوغ شرعی است، معیار قرار داده است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری اطفال را حق و تکلیف ابوبین قلمداد کرده است. اما چون قانون درباره پایان دوره حضانت حکم صریحی ندارد، دادرس باید روح قانون حمایت از جوانان و تأمین نیروی سالم و کارآمد برای جامعه و عرف و عادت مسلم را ملاک قرار دهد و در هر مورد که دوران انتقال فرزند از خانواده به جامعه نیاز به ادامه تکالیف پدر و مادر داشته باشد، در شناسایی و تضمین آن تردید نکند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۲). در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک آمده است: «از نظر این

کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». در این قانون پایان کودکی مشخص شده، اما درباره زمان شروع کودکی سخنی به میان نیامده است. از این‌رو، هر کشوری می‌تواند درباره زمان شروع کودکی، قوانین خاص خود را اعمال کند. هماهنگ با این قانون، در بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: حکم اعدام درباره جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود (کارگروه حقوق کودک کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۳۶، ۴۴).

به هر حال، کودک نیاز به تربیت و پرورش دارد؛ زیرا تداوم و بسط حیات بشر از طریق تربیت و آموزش کودک میسر است. در عصر حاضر، امر تربیت یکی از امور با ارزش تلقی می‌شود به گونه‌ای که تمام ملت‌های جهان با ساز و کارهای مشابه و متفاوت رسمی، شبه رسمی و غیر رسمی به آن همت می‌گمارند. در حقوق ایران، قانونگذار به حمایت اخلاقی و روانی کودک توجه کرده است؛ چنانکه در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی بیان می‌دارد: زوجین باید در تشییید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. تربیت کودک توجه بشر دوستان را نیز به خود جلب کرده و به اقدامات قابل ملاحظه‌ای در سطح بین‌المللی انجامیده است از جمله در سال ۱۹۲۹ به اهتمام جمعی از علاقه‌مندان به مسائل تعلیم و تربیت، مرکزی تحت عنوان دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت تاسیس شد. از سال ۱۹۴۹ نهاد بین‌المللی دیگری تحت عنوان سازمان فرهنگی و تربیتی و علمی ملل متحد یا یونسکو به وجود آمد تا بر وضع تعلیم و تربیت عمومی جهانیان نظارت کند. بالاخره سازمان ملل متحد در اجلاسیه عمومی مورخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند که در ماده ۲۶ آن، حقوق تعلیم و تربیت افراد مورد تأیید ملل عضو سازمان قرار گرفت. در بند سوم این ماده بیان شده است که پدر و مادر، در انتخاب نوع تعلیم و تربیت فرزندان خود، بر دیگران اولویت دارند. معاهدات دیگری هم در سطح بین‌المللی به تصویب رسیده است که به تربیت کودک پرداخته‌اند؛ مانند کنوانسیون حقوق کودک.

در نظام حقوقی ایران و معاهدات بین‌الملل، تربیت کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما محیط اجتماع برای تربیت کودک محیط مناسبی نیست و دولت هیچگاه پرستار

شایسته‌ای برای وی نبوده است. نیازهای کودک در خانواده بهتر از هر جای دیگر تأمین می‌شود. خلأهای قانونی در این خصوص و آسیب‌های اجتماعی کودکان ضرورت بررسی موضوع را در ارتباط با نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی دارد، تا با بررسی حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک طبق حقوق ایران و اسناد حقوق بشر به حمایت از کودک بپردازیم.

مراقبت‌های دوران جنینی

در قوانین ایران، تکالیفی برای والدین در مراقبت‌های دوران جنینی که بر رفتار و خلق و خوی فرزند در آینده اثرگذار باشد، به دست نمی‌آید؛ اما نبودن چنین قوانینی به معنای تکلیف نداشتن والدین نیست؛ زیرا با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در این زمینه باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کرد.

در شریعت اسلام، تربیت کودکی که در آینده به وجود خواهد آمد، مورد توجه قرار گرفته و مسئولیت‌هایی برای افرادی که قصد تشکیل خانواده و به تبع آن ایجاد نسل دارند، بیان شده است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: « به هم شأن خود، زن بدهید و از هم‌شأن خود، زن بگیرید و برای نطفه‌های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید^۱». رعایت اخلاق مباشرتی و توجه به تغذیه مادر پس از انعقاد نطفه در ایجاد زمینه‌های تربیت فرزند نیز به اندازه‌گزینهش همسر مورد توجه قرار گرفته و درباره آداب آمیزش و تأثیر آن بر روان و جسم فرزند، دستورهایی آمده است. رعایت نکردن بسیاری از آداب تربیتی پیشوایان دین در هنگام آمیزش، موجب نارسایی‌های جسمی، روحی، معنوی و عقلی در کودک می‌شود (اخلاقی، ۱۳۱۹، ص ۵۸-۶۰). به دلیل تأثیر نوع تغذیه مادر در این دوران بر تربیت کودک، پیامبر اکرم ﷺ مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و فرموده است: «بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت شده است و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده است».

۱- بنگرید به: اخلاقی، ۱۳۱۹، ص ۵۷-۵۸

مسأله تغذیه و تأثیر آن بر تربیت کودک تنها منحصر به مادر کودک نیست و به پدر نیز تسری پیدا می‌کند؛ زیرا لقمه‌ی ناپاک و حرام، در گوشت و خون والدین نفوذ کرده، از طریق آمیزش به جنین انتقال می‌یابد. لذا، پدر نقش اول را ایفا می‌کند. در مرحله دوم مادر باید مراقبت‌های ویژه از جنین داشته باشد (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۳-۲۴).

به نظر پژوهشگر، با توجه به آنچه که بیان گردید، در حقوق ایران با ملاحظه شریعت اسلام، مسئولیت والدین در تربیت کودک خود، از زمان انتخاب همسری شایسته و با رعایت آداب آمیزش آغاز می‌گردد و با انعقاد نطفه کودک مهم‌تر می‌شود.

در بررسی اسناد عمومی حقوق بشر^۱، تکلیفی برای والدین در تربیت کودک پیش از تولد یافت نشد. لکن، به نظر پژوهشگر از بند ۱ ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در آن از مراقبت‌های ویژه در مورد جنین سخن گفته شده است و ماده ۲۵ آن که شریعت اسلام را تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه بیان نموده است و در دیدگاه اسلام، تربیت فرزند، پیش از تولد آغاز می‌گردد و رعایت مواردی که زمینه‌ساز ایفای هر چه بهتر و مناسب‌تر وظایف تربیتی هستند مورد تأکید است؛ بدین ترتیب شاید بتوان تکالیف والدین در تربیت فرزند را به پیش از تولد مربوط دانست.

با مراجعه به اسناد اختصاصی مربوط به کودک (مانند مقدمه و اصل ۴ اعلامیه جهانی حقوق کودک) درمی‌یابیم که این اعلامیه بیشتر حقوق مادی کودک در دوران پیش از تولد را مدنظر داشته و به حقوق معنوی وی و مسئولیت‌های والدین در این امر توجهی نداشته است. علاوه بر این که شروع کودکی در کنوانسیون حقوق کودک با سکوت همراه شده و در آن مشخص نشده است که فرزند از بدو تولد یا پیش از آن، مورد حمایت کنوانسیون قرار می‌گیرد (توحیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰).

بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت در حقوق ایران به طور ضمنی و با عنایت به شریعت اسلام برای جنین نوعی شخصیت قائل شده و او صاحب حق دانسته

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شده است و تکلیفی برای والدین در جهت تربیت وی تعیین شده است. لکن، در اسناد حقوق بشر تکلیفی برای والدین در تربیت کودک پیش از تولد ذکر نشده است.

تأمین امکانات پرورش جسمی و روانی

کودکان بیش از بزرگترها نیازمندند و بدون دیگران، قادر به رفع نیازهای طبیعی و عاطفی خویش نیستند. این نیازها تنها نیازهای مادی (خوراک، پوشاک، مسکن و...) نیست، نیازهای طبیعی (درونی و بیرونی) انسان هر کدام بخشی از زندگی را در بر می‌گیرد (اخلاقی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

بنابراین، یکی از مسئولیت‌های والدین، پرورش جسمی و روانی کودک است. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی تصریح می‌کند: «نفقة اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است، با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است». نفقه کودک شامل هر چیزی می‌شود که برای رشد روحی و جسمی کودک ضروری است (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۶). پس وسایل تفریح و بازی کودک را نیز که برای رشد او ضرورت دارد شامل می‌شود.

در شریعت اسلام تأثیر غذای حلال بر تربیت، اخلاق و فرهنگ انسان‌ها و سعادت افراد و محبت به کودکان سخت مورد تأکید قرار گرفته است (وزیری، ۱۳۸۱، ص ۵۷۰) و نگاه محبت آمیز به فرزند که از راه‌های ابراز محبت است، عبادت محسوب می‌شود و همانند آزاد کردن بنده است. رعایت عدالت نیز مورد تأکید قرار گرفته است، چنان که پیامبر ﷺ فرمود: « خداوند دوست دارد در بوسیدن بین فرزندان خود عدالت را رعایت کنید» و نیز فرموده است: «در هدیه‌ها نیز بین فرزندان خود عدالت پیشه کنید؛ همانگونه که دوست دارید در نیکی و لطف بین شما به عدالت رفتار شود (همان، ص ۵۷۲-۵۷۳). لذا به نظر پژوهشگر، با توجه به مطالب گفته شده و روح حاکم بر قوانین جمهوری اسلامی ایران و با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که بیان می‌دارد قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا

فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید، مسائل فوق‌الذکر نیز از تکالیف والدین در تربیت کودک قلمداد می‌گردد.

البته باید مواظب بود که محبت جنبه افراط و تفریط به خود نگیرد؛ زیرا در هر دو حال برای کودک عوارض نامطلوبی در بر خواهد داشت. والدینی که بیش از حد به کودکان خود توجه و محبت می‌کنند، کودکانی، متکی به دیگران با اعتماد به نفس ضعیف بار خواهند آورد (قلی زاده کلان، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳).

در اصل ۴ اعلامیه جهانی حقوق کودک، حق کودک بر پرورش جسمی و روانی مورد توجه واقع شده و انجام این مسئولیت براساس اصل ۶ آن بر عهده والدین نهاده شده است. در ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز ضمن این‌که به تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون در به رسمیت شناختن حق تمام کودکان در برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی اشاره شده، بر اساس بندهای دوم و سوم آن مسئولیت اصلی پرورش کودک بر عهده والدین وی نهاده شده است. به عنوان نمونه می‌توان تفریح کودک را که تأثیر بسیاری در پرورش جسمی و روانی کودک دارد و در اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق کودک، و ماده ۳۱ کنوانسیون به آن تصریح شده است، از تکالیف والدین در پرورش جسمی و روانی کودک دانست.

خلاصه این‌که به نظر پژوهشگر در مقایسه حقوق ایران و آموزه‌های شریعت اسلام با اسناد بین‌المللی باید اذعان داشت که مقوله پرورش جسمی و روانی کودک در کنوانسیون بسیار کلی و مبهم مطرح شده، اما در حقوق ایران با اتکا به شریعت اسلامی بسیار جزئی‌تر بررسی شده است.

مراقبت و حضانت فرزند

اگر هدف از تربیت افراد، تنها پرورش قوای بدنی و ذهنی کسب معلومات جهت شغل باشد، دیگر نیازی به کانون گرم خانواده نیست؛ زیرا این اهداف در مؤسسات عمومی بهتر

۱- «...کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات بهداشتی مناسب را داشته باشد»

میسر می‌شود؛ اما اجتماع افرادی را لازم دارد که علاوه بر صفات فوق، نیروهای روحی، هنری و عواطف آن‌ها نیز پرورش یافته باشد. لذا، مفاد مواد ۱۱۶۸، ۱۱۷۳، ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ قانون مدنی و سایر مقررات حمایت از خانواده، حق مراقبت در وضع زندگی و محیط زیست و رشد کودک را به والدین داده‌اند (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰). در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی در باب مسئولیت والدین بر حضانت کودک آمده است: «نگاهداری از اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است». لذا ابویین باید با همکاری یکدیگر از عهده وظیفه برآیند و اگر به هر علت جدا از یکدیگر زندگی کنند، حضانت در هفت سال اول زندگی طفل اعم از پسر یا دختر با مادر خواهد بود و بعد از آن پدر عهده‌دار حضانت خواهد بود، لیکن در صورت حدوث اختلاف با رعایت مصلحت طفل، دادگاه حضانت را به پدر یا مادر طفل واگذار خواهد نمود (قانون مدنی، ماده ۱۱۶۹ اصلاحی ۱۳۸۲/۰۹/۰۸). در ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده نیز حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده، به مادر داده شده است؛ مگر آن‌که دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد؛ در مواد ۴۰، ۴۱ و ۵۴ نیز ضمانت اجرای حضانت مشخص شده است. براساس ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، چنانچه سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند بنا به تقاضای اقربای طفل یا قیم و یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای نگهداری طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. همچنین براساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد». قانون‌گذار در این ماده به طور ضمنی به این حق والدین اذعان کرده است. در اصل ۶ اعلامیه جهانی حقوق کودک^۱ نیز به مسأله حضانت که لازمه تربیت کودک است، توجه شده است. ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک اصل را بر این فرض قرار داده است که کودکان تا حد امکان نباید از والدین

۱- کودک برای پرورش کامل و متعادل شخصیتش، نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت، در فضایی پر محبت، در امنیت اخلاقی و مادی، پرورش یابد.

خود جدا شوند، مگر مصلحت مهمی وجود داشته باشد. این مسأله بازتابی از اصل مسؤلیت مشترک والدین در پرورش کودک است که در ماده ۱۸ کنوانسیون به آن تصریح شده است (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳). اما این کنوانسیون در تساوی یا تنوع مسؤلیت‌های والدین طلاق گرفته کاستی‌هایی دارد (کاوه مریان، ۱۳۸۱، ص ۱۱). البته با توجه به رویکرد کودک محور کنوانسیون و تأکید آن بر حفظ نفع کودکان در طلاق والدین و لزوم توجه به خواست والدین و کودک به شکل توأمان، می‌توان دریافت که مسؤلیت حضانت کودک در طلاق نادیده گرفته نشده است (دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کنون بین‌المللی وکلا، ۱۳۸۱، ۵۸۱، ۵۹۳). از بند دوم ماده ۹ و بند دوم ماده ۱۲ کنوانسیون به دست می‌آید که کودک فرصت اظهارنظر مستقیم یا از طریق نماینده یا شخصی مناسب را به طریقی که با مقررات و رویه قوانین ملی سازگار باشد، داراست. در ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای اول مواد ۵ و ۷ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز بر اهمیت بنیان خانواده و حضانت کودک توسط والدین اشاره شده است. با این حال در صورت جدایی والدین از یکدیگر، با توجه به بند سوم ماده ۷ و ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، برای مشخص کردن مسؤول حضانت کودک باید به احکام شرع مراجعه کرد و بر اساس آن مسؤول حضانت و به تبع آن تربیت کودک را مشخص نمود.

در خصوص مراقبت از کودک در امر تربیت وی نیز، مواد ۱۲ تا ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک تلویحاً آزادی مطلق فرزند (بدون محدودیت سنی یا در قلمرو خاص) را به رسمیت شناخته و حفظ حریم خصوصی^۱ او را مورد توجه قرار داده است (آزریابجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). به ظاهر تکلیف والدین در ایجاد زمینه‌های رشد کودک و تربیت او مستلزم دارا بودن حق نظارت و کنترل بر رفتار او و محل حق حریم خصوصی اوست (اسدی، ۱۳۸۱، ص ۲). اسناد حقوق بشر با لحاظ کردن امکان دخالت بر اساس قانون، لزوم لحاظ کردن منافع عالیه

۱- ماده یک لایحه حریم خصوصی: "حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا برآن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند."

کودک و اولویت تربیت، برحق حریم خصوصی او راه را برای ورود به حریم کودک باز گذارده است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۷؛ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۳، بند دوم ماده ۱۴، ماده ۱۶، بند یک ماده ۱۸، بند یک ماده ۳۲). البته زیر پا گذاشتن حریم کودک باید با حفظ کرامت انسانی او باشد. از آنجا که ایران به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده است، مقررات آن در این خصوص برای ایرانیان لازم‌الاجراست. یعنی در تعارض لزوم تربیت کودک و حفظ حریم خصوصی او، تربیت او در اولویت قرار می‌گیرد (اسدی، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

تربیت مذهبی کودک

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که انسان همان‌طور که طبیعتاً محتاج تغذیه جسمانی و پوشاک و ... است، از نظر روانی نیز کششی به سوی امور مذهبی و ماوراء طبیعی دارد. این میل به مذهب مانند دیگر کشش‌ها، از ابتدای طفولیت در نهاد انسان‌ها وجود دارد و به تدریج از قوه به فعل در می‌آید و فعالانه به اعمال و رفتار انسان رنگ خاصی می‌دهد.

با توجه به آنچه گفتیم روشن است که منظور از تربیت دینی، هرگز ایجاد روحیه و میل مذهبی در کودک نیست؛ بلکه آنچه از نظر تربیت مهم است، زمینه‌سازی برای شکوفایی این بعد فطری و سپس تقویت آن است.

خداوند کریم در آیه ۳۰ سوره روم به این بعد فطری مذهبی در وجود انسان اشاره فرموده است و رسول گرامی اسلام نیز در روایتی می‌فرماید: هر کودکی با فطرت خدایی تولد می‌یابد و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود (اسلام) منحرف ساخته، یهودی و نصرانی بار می‌آورند (غرویان، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴-۱۳۳).

نهاد خانواده اولین کانونی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و نقش اساسی در امور تربیت دینی دارد. آیه ۶ سوره تحریم به صراحت بر مسؤولیت تربیتی خانواده تأکید کرده می‌فرماید «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگاه دارید».

بنابراین، تربیت در گام‌های نخست به عهده والدین است و قابل فروگذاردن نیست و

رشد و تعالی فرزندان متوقف بر ادای به موقع و درست این تکلیف توسط ایشان است. در حقوق ایران، تربیت مذهبی کودک به رسمیت شناخته شده است و بر اساس اصل ۱۲ قانون اساسی و ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه (مصوب ۱۳۱۲) انتخاب شیوه تربیت کودک بر عهده والدین نهاده شده است. مذاهب دیگر اسلام (اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی) در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزاد اعلام شده‌اند و تعلیم و تربیت دینی آن‌ها به رسمیت شناخته شده است. همچنین براساس ماده واحده رعایت احوال شخصیه، قواعد و عادات ایرانیان غیرشیعه در احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به رسمیت شناخته شده است. این اصول مبین به رسمیت شناختن حق والدین در انتخاب شیوه تربیت کودک با رعایت مقررات قانون راجع به نظم عمومی است. با این وجود، وصایت غیر مسلمان بر کودک مسلمان از طرف ولی کودک در قانون مدنی پذیرفته نشده است (قانون مدنی، ماده ۱۱۹۲)؛ زیرا اگر کافر مجاز به تربیت طفل باشد، آداب و رسوم مورد قبول خود را به وی منتقل خواهد کرد و کودک تحت تاثیر افکار و عقاید او قرار خواهد گرفت.

در اسناد حقوق بشر، تعیین شیوه تربیت کودک بر عهده والدین است. براساس بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، پدر و مادر حق دارند نوع تعلیماتی را که باید به کودکان آنان داده شود، انتخاب کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). بند ۴ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۳ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز، آزادی والدین را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودک مطابق معتقداتشان محترم شناخته‌اند. در بند «ب» ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز به پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدر هستند، این حق داده شده است که در نوع تربیت فرزندان خود با مراعات منافع آنان و در پرتو ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی آزادانه عمل کنند. لکن، در بند یک ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک که جامع‌ترین سند در خصوص تربیت کودک است، این حق به والدین داده شده است که فرزند خود را تنها

هماهنگ با توانایی‌های تکامل یافته او راهنمایی و هدایت کنند و فرزندشان را در انتخاب مذهب کاملاً آزاد بگذارند.

در ابتدا به نظر می‌رسد به رسمیت شناختن این حق کودک به داشتن یا پذیرفتن یک مذهب به طور مطلق و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی و حتی بدون رضایت والدین، صرف نظر از عواقبی که جهت عدم رشد ذهنی کودک، در پذیرفتن مذهبی خاص ممکن است متوجه وی شود، با حقوقی که در اسناد بین‌المللی برای والدین به رسمیت شناخته شده نیز در تعارض است؛ زیرا چنانکه بیان گردید بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق کودک مقرر داشته است: پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود بر دیگران اولویت دارند و همان گونه که استادان حقوق در مباحث مربوط به حقوق والدین در تربیت کودک عنوان کرده‌اند، انتخاب شیوه تربیت کودک حق پدر و مادر است و آنان باید مذهب فرزند خود و آموزش و پرورش روحی او را برگزینند.

علاوه بر این، آزادی کودک در انتخاب مذهب با موازین شرع انور اسلام نیز علی‌الظاهر منافات دارد (توحیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵-۱۳۶). ولی با تلفیق مفهوم کودک و حقوقی که برای او در نظر گرفته شده است، چنین به نظر می‌رسد که مقصود کنوانسیون از ذکر آزادی مذهب برای کودک، خود مختاری وی در پذیرش آن نیست؛ زیرا حق انتخاب مفهومی است که در سنین بلوغ مصداق پیدا می‌کند و مادام که کودک به سن بلوغ نرسیده، از رشد کامل عقلی برخوردار نباشد، نمی‌تواند عقیده و ایمان مذهبی را به طور واقعی بپذیرد، آیه شریفه «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» وقتی مصداق دارد که انسان بتواند تعقل کند و اختیار تبعیت کردن داشته باشد. بنابراین می‌توان عقیده داشت که آنچه کنوانسیون تحت عنوان آزادی فکر، عقیده و مذهب به کودکان اعطا می‌کند، این است که کودک به‌طور نامعقول تحت فشار برای اجرای بعضی شعائر مذهبی قرار نگیرد و به او فرصت داده شود با ارشاد از ناحیه والدین خود (که غیر از تحمیل نظر است) به نحوی پرورش یابد که پس از رسیدن به سن بلوغ آزادانه به عقیده و ایمانی پایبند گردد و مذهبی را که مآلاً همان مذهب والدین خواهد بود، با بینشی واقع‌بینانه، برگزیند.

البته لازم به ذکر است که اگر این منظور از مفاهیم کنوانسیون مورد اعتراض قرار گیرد، مسلماً کشورهای اسلامی در مقابل آن ایستادگی خواهند کرد. در مقام مقایسه، به نظر می‌رسد مباحث و مسائل مطرح شده در تربیت مذهبی کودک در حقوق ایران، رنگ الهی دارد؛ اما کنوانسیون بر سکولاریزم و لیبرالیسم استوار است و در مباحث تربیتی آن، دین و مذهب جایی ندارد.

تأمین امکانات تحصیل اجباری فرزند

مسأله سواد و تحصیلات اطفال از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع از این روست که بی‌سوادی و حتی کم‌سوادی، خود ریشه بسیاری از مسائل دیگر مانند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. امروزه نقش دانش و آگاهی در توسعه فنی، تکنولوژی، اقتصادی و اجتماعی جوامع به خوبی نمایان شده است. مقدمه کسب دانش و آگاهی نیز سواد آموزی و توانایی استفاده از زبان مکتوب جامعه است تا از این طریق با افکار و اندیشه‌ها، دانش و فنون، فلسفه و عقاید دیگران آشنا شویم و آگاهی‌های خود را در زمینه‌های مختلف به دیگران انتقال دهیم. اطفال بدون آموزش و پرورش نمی‌توانند در بزرگسالی به نحوی مفید و مولد کار انجام دهند، مراقب تندرستی خود باشند، از خود و خانواده‌هایشان حفاظت نمایند یا زندگی فرهنگی غنی و پرمایه‌ای را بگذرانند (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳). بدین جهت برخورداری از تحصیل و آموزش، یکی از حقوق اساسی کودکان محسوب می‌شود که اصولاً تدارک امکانات آموزشی و تربیتی اطفال وظیفه‌ای بر عهده والدین می‌باشد.

در حقوق ایران، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) مفصل‌ترین قانون در زمینه حقوق تحصیلی اطفال است. بر اساس ماده ۲ این قانون، در هر محل که موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی، که اجباری و مجانی است، فراهم و اعلام شده باشد، پدر یا مادری که وظیفه نگهداری و تربیت کودک بر عهده اوست، وظیفه دارد درباره ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری

نماید، وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل اقدام خواهد کرد. ماده ۳ آن نیز حمایت از حق آموزش در مراحل بالاتر از مقطع راهنمایی را وظیفه والدین قلمداد کرده و ماده ۴ به ضمانت اجرای آن اشاره نموده است. در حال حاضر، براساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) چنانچه والدین علی‌رغم وظیفه و تکلیف قانونی خویش، با اراده و تمایل موجب عدم تدارک امکانات تحصیل و آموزش فرزندان خود شوند، به استناد ماده ۴ این قانون مسئول تلقی می‌شوند و به مجازات مقرر محکوم می‌گردند. مضاف بر این که عدم تأمین وسایل و امکانات تحصیل برای اطفال و نوجوانان توسط والدین آن‌ها در صورت منجر شدن به محکومیت قضایی، ممکن است مطابق با ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲) محرومیت از حق قیمومت، نظارت یا اعمال حق ولایت را نیز در پی داشته باشد (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳)، ولی این قوانین در عمل متروک مانده است (همان، ص ۳۳۹).

در سطح بین‌المللی نیز حق برخورداری از آموزش در طول دهه بارها مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق کودک، ضمن تأکید بر حق کودک در برخورداری از آموزش، مسئولیت آموزش کودک درجه اول بر عهده والدین وی نهاده شده است.

بند اول ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز بر پرورش ذهنی کودک تأکید کرده است و در بند دوم به مسئولیت والدین در فراهم کردن شرایط آموزش و زندگی مناسب متناسب با توانایی‌ها و امکاناتشان تصریح شده است؛ هرچند دولت‌ها نیز بر اساس کنوانسیون در چارچوب امکانات خود مکلف به یاری والدین و ایجاد فرصت‌های مساوی در امر آموزش کودکان هستند. همچنین به استناد بند «ب» ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی^۱ می‌توان یکی از تکالیف والدین را آموزش فرزندشان دانست.

۱- حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند؛ به گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

تربیت اخلاقی و پرورش فضایل اخلاقی و اجتماعی در فرزند

پرورش فضائل اخلاقی و اجتماعی در عالم اعتبار در قالب یک حق برای کودک قابل شناسایی است. در سایه این تربیت، کودک خود را ملتزم به ادای حقوق، رعایت آداب، نظارت اجتماعی، تعادل عقلی و حسن معاشرت با دیگران می‌داند. این حق کودک با تکلیف والدین مبنی بر ایجاد این شرایط ملازمت دارد. بدین جهت، ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زوجین باید در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی نیز ابویان را مکلف کرده است تا در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش به نحو مقتضی اقدام نمایند. بر اساس چنین مبنایی ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در معرض خطر جدی قرار گرفتن فضایل اخلاقی در کودک را به جهت انحطاط اخلاقی پدر، مادر یا هر دو مورد عنایت قرار داده است؛ به نحوی که محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ نماید.

در خصوص پرورش اجتماعی کودک توسط والدین، با بررسی‌های به عمل آمده، تکلیفی برای والدین در قوانین ایران یافت نشد؛ لکن، با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در این زمینه نیز باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر رجوع کرد. در اصل ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق کودک، این مسأله تصریح شده است که فقط آموزش رسمی در دبستان و دبیرستان مورد نظر نیست، بلکه آموزش و پرورش غیررسمی نیز مد نظر است که مسؤولیت آن بر عهده والدین است. در ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هدف آموزش و پرورش، شکوفایی کامل شخصیت انسانی و مفهوم حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بیان شده است. لذا، با توجه به این‌که براساس بند یک ماده دهم آن، والدین مسؤول تربیت کودک قلمداد شده‌اند، پرورش اخلاقی و اجتماعی کودک نیز بر عهده والدین خواهد بود.

در کنوانسیون حقوق کودک نیز، اگرچه در قسمت «د» بند یک ماده ۲۹ به «آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسؤولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای مملو از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و

اشخاص دیگر» اشاره شده و این امر جزو وظایف دولت‌های عضو در زمینه آموزش و پرورش کودک دانسته شده است. لکن، به نظر پژوهشگر این مسأله بدان معنا نیست که والدین در این زمینه تکلیفی ندارند، بلکه وظایف دولت‌ها در کنار مسؤولیت والدین قرار دارد.

در نهایت، در مقایسه کنوانسیون با حقوق ایران در بحث پرورش اخلاقی و اجتماعی کودکان باید اذعان داشت که کنوانسیون، زیر ساخت‌های تربیتی ندارد، ولی حقوق ایران، دارای زیر ساخت‌های تربیتی محکمی بر پایه تربیت اسلامی می‌باشد اگرچه متأسفانه قانونگذار در این خصوص به وظیفه والدین به صورت مجمل و مبهم اشاره کرده است.

حق اطاعت و احترام برای والدین

برای آن‌که ابویان بتوانند طفل خود را نگاهداری نمایند و وظایف تربیتی را اعمال کنند، ناچار باید از ابتدای کودکی، حس اطاعت را در او ایجاد کنند و برای آن‌که طفل دارای حس اطاعت از ابویان گردد، لازم است حس احترام به ابویان را آن‌گونه که معمول است، در او به وجود آید تا دستورات آنان را به کار بندد (امامی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۱۱). ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی در این رابطه مقرر داشته است: «طفل باید مطیع ابویان خود بوده و در هرسنی که باشد باید به آن‌ها احترام کند». فرزند پس از بلوغ از ولایت و حضانت ابویان خارج می‌شود، اما براساس این ماده احترام نمودن به والدین محدودیت زمانی و سنی ندارد، گرچه ضمانت اجرای آن اخلاق دینی و مذهبی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷-۱۲۸).

ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور نیز وظایف و تکالیف زوجین گیرنده جنین و طفل متولد شده را از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است که از این ماده نیز می‌توان حق والدین بر اطاعت و احترام را استنتاج کرد.

لکن در اعلامیه جهانی حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک به این مسأله توجهی نشده است؛ تنها در قسمت سوم بند اول ماده ۲۹ کنوانسیون، ضمن اشاره به توافق دولت‌ها مبنی بر قرار دادن اموری که باید جزئی از آموزش و پرورش کودک باشد به

توسعه احترام به والدین کودک اشاره شده و آن، جزئی از آموزش و پرورش کودک قلمداد گشته است. با این وجود به نظر می‌رسد بحث اطاعت کودک از والدین دچار خلأ است. در اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز تنها با استنباط از بند سوم ماده ۷ و مواد ۲۴ و ۲۵ این اعلامیه، می‌توان اطاعت کودک از والدین و احترام به آن‌ها را از حقوق والدین شناخت؛ زیرا در دین مقدس اسلام، به کرات اطاعت از والدین و احترام به آن‌ها سفارش شده است.

بنابراین، به طور مختصر باید گفت اطاعت کودک از والدین و احترام به آنان در اسناد حقوق بشر تصریح نشده است؛ تنها در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، آن هم نه به طور صریح بلکه با تفسیر مواد آن، می‌توان به این حق والدین پی برد.

حق تنبیه برای والدین

ادب و تأدیب دو اصطلاح همگون و هم خانواده است، یکی به معنی تربیت کردن و دیگری به معنی تنبیه کردن. ادب، نشان دادن راه و اصول صحیح زندگی است و یاد دادن نحوه رفتار با خود و دیگران.

تأدیب هم به دو نحو امکان دارد تا وقتی که کودک از مسیر صحیح و راه درست زندگی منحرف شد، او را بازگردانند و از ادامه راه نادرست بازدارند. یکی از این طریق که زشتی انحراف را به او نشان دهند و دیگر این‌که با مقداری تنبیه بدنی که منجر به صدمه دیدن نباشد، او را تأدیب کنند (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

پس، ادب و تأدیب باید در راستای پرورش درست و معقول باشد (همان، ص ۵۷). در خصوص حق والدین در تنبیه کودک باید اذعان داشت که اگر چه موضوع تنبیه، مورد اتفاق همه عقلا و همه شرایع نیست و هیچ عامل تربیتی‌ای، مؤثرتر و سازنده‌تر از عامل مهر و محبت و رژیم گام به گام و مراقبت از رفتار کودک و تنظیم آن نیست، ولی اگر همه عوامل دیگر تربیتی، که با وفق و مدارا و نرمی هماهنگ است، مؤثر نباشد، مربی ناگزیر است در مواردی از تنبیه کمک گیرد.

تنبیه کودک به منظور تربیت وی از حقوقی است که در قوانین ایران به موجب شریعت

اسلام برای والدین پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است که تنبیه و مجازات بدنی در تربیت اخلاقی و دینی کودک از نظر اسلام یک وسیله احتیاطی و استثنایی است که طبق قوانین فقهی، نباید از حدود ایجاد درد تجاوز کند؛ حتی نمی‌تواند به مرز ایجاد سرخی در بدن برسد روی هم رفته تنبیه باید بسیار ضعیف و سبک باشد.

بر طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیبات تنبیه نمایند». در ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) نیز اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۹/۷) و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹) از شمول این قانون مستثنی شده است. در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز بیان شده است که «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیبات یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این است که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیبات و محافظت باشد».

در تنبیه و تأدیبات جایی برای خشونت و اذیت و آزار روحی و جسمی نیست. اگر والدین پس از پند و نصیحت و بر حذر داشتن و ترغیب نمودن، تأدیبات فرزند خود را در تنبیه بدنی او ببینند و به استناد این ماده از قانون مدنی دست به این تنبیه بزنند، لازم است تنبیه با رعایت سه شرط مذکور در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد (وکیلیان، ۱۳۸۰، ص ۲۰). با هر نوع تنبیهی که منجر به آسیب جسمانی کودک شود، دیه ثابت می‌شود؛ اما در مورد خشونت روحی، قانون خاصی وجود ندارد و احراز آن چندان ساده نیست (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). تنبیهی که از مصادیق خشونت باشد، از موانع اجرای حق سرپرستی والدین است (قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳).

در هیچ یک از اصول اعلامیه جهانی حقوق کودک سخن از تنبیه و تأدیبات کودک به میان نیامده و وظیفه والدین، دولت و اجتماع در قبال کودک با «کلمات مراقبت و حمایت‌های خاص» و یا «تربیت و مراقبت ویژه» بیان شده است (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۴۷۰). بر اساس بند دوم ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک، هر گونه تبعیض یا تنبیه ممنوع شناخته شده است. همچنین در ماده ۱۹ و به‌طور کلی روح کنوانسیون، تأکید شده

است که کشورها باید تلاش کنند قوانین خود را به گونه‌ای اصلاح و تصویب کنند که خشونت درباره کودکان اعمال نشود. کمیته حقوق کودک به ویژه تأکید کرده است که تنبیه بدنی در خانواده با کنوانسیون سازگاری ندارد. بنابراین در اسناد حقوق بشر، تنبیه والدین برای تربیت کودک ممنوع است (Hodgkin and Newell, 2002, P.257) به نظر پژوهشگر شاید علت اساسی در ممنوع اعلام کردن تنبیه معقول یا منطقی کودک توسط والدین در اسناد بین‌المللی، جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی باشد.

یافته‌های پژوهش

- ۱- حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک صراحتاً از دوران بعد از تولد در حقوق ایران و اسناد حقوق بشر مطرح شده است.
- ۲- اولین تکلیف والدین در حقوق ایران، حضانت کودک است که در صورت زندگی مشترک، بر عهده هر دوی آنان و در صورت جدایی در هفت سال اول زندگی طفل با مادر و بعد از آن با پدر خواهد بود. در اسناد حقوق بشر، با توجه به مفاد کنوانسیون حقوق کودک، به نظریات کودک مطابق با سن بلوغ او، صحبت‌های والدین کودک و در نهایت منافع عالی کودک، توجه می‌شود. در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، مسؤول تربیت کودک هستند.
- ۳- آموزش و پرورش کودک تکلیف والدین در جهت تربیت وی در هر دو نظام حقوقی قلمداد می‌شود.
- ۴- بر اساس اسناد حقوق بشر، فراهم کردن موجبات تفریح کودک از تکالیف والدین محسوب شده است؛ دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به این اسناد ملحق شده و طبق ماده ۹ قانون مدنی مکلف به رعایت آن است.
- ۵- در بحث حقوق والدین، قانونگذار داخلی به تنبیه کودک، اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان توجه کرده است؛ اما در اسناد حقوق بشری، تنبیه به منظور تربیت کودک پذیرفته نشده است، و اطاعت او احترام به ایشان در این اسناد با سکوت است؛ تنها با استنتاج از مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌توان به این حق والدین پی برد.

۶- در بحث انتخاب شیوه تربیت کودک، والدین تنها حق دادن آموزش‌های مذهبی مطابق معتقدات خویش را به کودک دارند و در نهایت کودک در انتخاب مذهب آزاد است؛ ولی در حقوق ایران به تربیت مذهبی کودک توجه شده است.

منابع و مأخذ

- ❖ آذربایجانی، مسعود، «نقد تربیتی بر کنوانسیون حقوق کودک»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۶، تهران، ۱۳۸۹
- ❖ اخلاقی، «نقش دین در تربیت فرزندان (۲)»، نشریه علوم قرآن و حدیث «فرهنگ کوثر»، شماره ۸۴، قم، ۱۳۸۹
- ❖ اخلاقی، اسماعیل، «نقش دین در تربیت فرزندان»، نشریه علوم قرآن و حدیث فرهنگ کوثر، شماره ۸۱، قم، ۱۳۸۹
- ❖ اسدی، لیلا سادات، «حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، تهران، شماره ۵۰، ۱۳۸۸
- ❖ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۵، اسلامیه، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸
- ❖ بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴ چاپ اول
- ❖ پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰
- ❖ توحیدی، احمدرضا، «تحلیل کنوانسیون حقوق کودک در پرتو جهان شمولی حقوق بشر»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۳۱، ۱۳۸۲
- ❖ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کانون بین‌المللی وکلا، حقوق بشر در دستگاه قضایی: راهنمای حقوق بشر برای قضات و حقوق‌دانان، ج ۱، ترجمه سعید نوری نشاط و همکاران، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول
- ❖ شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴، چاپ نهم
- ❖ صفایی، سیدحسین، امامی، اسداله، حقوق خانواده، ج ۲، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۰، چاپ پنجم
- ❖ غرویانی، محسن، تربیت فرزند با نشاط و سالم، احمدیه، قم، ۱۳۸۴، چاپ پانزدهم

- ❖ قلی‌زاده کلان، فرض الله، تربیت در محیط خانواده، پارسایان، قم، ۱۳۷۷، چاپ اول
- ❖ کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی خانواده، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۹، چاپ اول
- ❖ کارگروه حقوق کودک کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، سنا، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول
- ❖ کاوه مریان، میترا، «ویژه نقدی سه‌گانه بر کنوانسیون حقوق کودک»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان «کتاب زنان سابق»، شماره ۱۶، تهران، ۱۳۸۱
- ❖ مصفا، نسرين و دیگران، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳، چاپ سوم
- ❖ موسوی زنجانرودی، سیدمجتبی، تربیت مذهبی کودک، میثم تمار، قم، ۱۳۷۸، چاپ دوم
- ❖ وزیر، مجید، «نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام»، تهران، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۴، ۱۳۸۴
- ❖ وکیلان، محمودرضا، «قانون و تأدیب کودکان توسط والدین»، نشریه همشهری، سال دهم، شماره ۲۶۴۳، تهران، ۱۳۸۰

- ❖ Hodgkin, R., Newell, p., *Implementation Handbook for the Convention on Rights of the Child*, United Nation Children's fund, Fully revised edition, 2002

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.